



هفته نامه

رهائی

سال اول شماره ۹
سه شنبه اول ابان ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۰ ریال

در این شماره :

مذهب ، روحانیت و قدرت

درباره

انتخابات شوراها

دیکتاتوری قانونی

آقای خمینی و اوربانافالچی

مذهب، روحانیت و قدرت

مرتضی - ۱

به مشاخره‌ها و مراسم‌هایی که جنبه شخصی یا بارگانی داشت می‌پرداخت. در تمام قرن نوزدهم تا شیر و تداخل این دوتای محکمه منشاء اصلی کشمکش دولت و روحانیون را پدید آورد. علما یا مجتهدین طراز اول (آیت‌الله) از طریق ملاها (آخوندها) با نوده مردم رابطه دارند، آخوندها از یکطرف با وابستگی به یکی از مجتهدین برای خود اعتبار معنوی - مادی بوحود می‌آورند و از طرف دیگر باعث انانعه نفوذ مجتهد در بین مردم می‌گردند. سلسله مراتب روحانیان بدین شکل احکام دینی را به توده‌ها دیکته می‌نماید. در میان صفویان این سلسله مراتب شامل لوطی‌ها نیز می‌شد ولی به تدریج لوطی‌ها جای خود را به طلاب و روحانیون ساده دادند. روحانیون ساده از طریق وابستگی به مجتهد امور مادی خود را با گرفتن بخشی از سهم امام، موقوفات، حق منبر و غیره تا مین می‌نمایند.

علما و روحانیون وظیفه‌ای دائمی داشته و کمتر تغییر در موقعیت اجتماعی آنها بوجود می‌آید. در مقابل دولتمندان و افراد ذی نفوذ دولتی با تلاطمات سیاسی برکنار شده و گروهی دیگر به سرکار می‌آیند. این تداوم موقعیت اجتماعی باعث تثبیت اعتبار روحانیون بین توده‌ها شده و آنها را از اعتماد بیشتر مردم در مقابل مقامات دولتی برخوردار کرده است. (۱)

در گذشته بیگانگی عمومی مردم و روحانیون از دولت آنها را به هم نزدیکتر میکرد. هر چه در طی دوره‌های مختلف وظیفه انصاف‌آمیز جمع‌ها و شیخ الاسلامها با دولت بوده است ولی روند عمومی حاکی از تناقض میان دولت و قدرت روحانیون میباشد. عا میل دیگر اعتبار روحانیون کمتر بود نفوذ خارجی در آنان در مقابل با

عطفی در تاریخ آن پدیدار گشت. هم از زمان صفویه وجود علمای و روحانیون بعنوان یک قشر اجتماعی معنا و مفهوم پیدا کرد. مع هذایک عنصر اصلی از تشیع پیش از صفویه باقی ماند تا پس از در اختفا ماندن موقت به دوره فاجاریه و پس از آن دست بدست برگردد و آن عنصر عدم حقایقت بی چون و چرای دولت می‌شود. در دوران صفویه، تشیع روحانیت رسمی تازه‌ای را پدید آورد که انحصار راه شرعیات فقه می‌پرداخت و جوهر اصلی فلسفی و عرفانی خود را مخفی کرد. انکار قدرت دولت در زمان صفویان از این رود ریزه مستور ماند که صفویان خود را از تسلط امامان میدانستند و همچنین انگیخته‌های صفویانه در دولت دخول کرده بود و این عوامل مانع سایر جنبه‌های دنیوی دولت از جنبه‌های معنوی آن میشد. علما و روحانیون به مثابه رابطین با امام و از آن طریق با خدا، بن امت و امامان نقش واسطه داشتند. در تشیع وظیفه مؤمن تناخن امام زمان خود و اطاعت کامل او است. مؤمنان در تشیع دویخ می‌شوند. بخشی که برای خود عمل میکند (مجتهد) و بخشی که بایدرای دیگری را بپذیرند (مقلد). آنانکه راه ایشان پذیرفته می‌شود، مجتهدان یا عالی مقامین عالمان تبعه‌اند.

در دوران صفویه در دستگاه قضایی یک دوگانگی وجود داشت. محاکمی که علما سرپرستی آنها را بعهده داشتند به محاکم شرع معروف بود که خوانین آنها از شیعه گرفته شده بود و دستگاه قانونی دولت عرف یا سابعه قضایی نامیده میشد. محاکم عرف با تاج و تاجی که علیه دولت یا امنیت عمومی صورت میگرفت سروکار داشت و محاکم شرع اغلب

باید صفهای اخلاقی و روانسازي هر شتر، هر شمل و مسلمان هر طبعه را ساخت و حساب آورد. -
لنین

بررسی قشر روحانیت
۱ - تاریخچه تکوین و حرکت اجتماعی روحانیت

تشیع بعنوان یکی از فرق اصلی اسلام از زمان خلافت امویان و بعدها بنی عباس تکلیف گرفت. رکن اساسی سایر تشیع از تشیع امامت است. نهاد امامت پس از پیغمبر در انحصار او قرار گرفت. نهاد امامت که به معنی استمرار سنت پیغمبر از طریق امامان بود با غیبت دوازدهمین امام و ظهور نهاد غیبت شکل جدیدی یافت. غیبت کبری دورانی است که ارتباط انسانی با امام زمان قطع میشود و این عدم ارتباط تا زمانی که باریگر امام غائب یا مهدی بر من بازگردد ادامه خواهد داشت. در مذهب امامیه دو نظریه وجود داشت یکی معتقد به وجوب دخالت در امور سیاسی بود و دیگری به عدم دخالت در امور دنیوی تمایل داشت. بهر رو نظریه حاکم در دوران امویان و عباسیان معجوسی است از انکار حقایق قدرت موجود و عدم تمایل به اظهار مخالفت توأم با شکیبایی و پرهیز از عمل و انتظار ظهور امام غائب.

درواقع نهاد غیب حاوی تلویحی انکار رژیم موجود، تسلیم و در مواقع حساس و خطری پیام در مقابل آن است. بقیه که در واقع چیزی جز کتمسان مملحت آمیز در عقیده بخصوص هنگام خطر نیست روی تسلیم و شهادت روی دیگر آن یعنی پیام در مقابل قدرت موجود وقتی که کار به استخوان میرسد است.

در آغاز قرن نوزدهم که صفویه تشیع را بعنوان مذهب رسمی ایران بر گردند این مذهب رفعت یافت و نقطه

معاملات دولتی بوده است.

دردوران قاجاریه، دولت‌ار نیمه قضائیتی که صفویان مدعی آن بودند (اسن که صفویان ارنسل اما مان هستند) نیز سرخوردار نبود و با آنکه کوشنهایی درنراتیدن دلایلی برای روحانیتی نمایانندن خودکردند (مثل ساختن واژظطل اله" برای شاه) علما و روحانیون موقعیت خود را بمسوان نواب واقعی اما مان استحکام بخشیدند.

حدائی بیشتربین قدرت حاکم دولتی و روحانیون باعث اعتبار بیشترروحانیو کردید. انعکاس قدرت روحانیت در این دوران از حریان جنبش تنباکو و حکم تحریم میرزا حسن شیرازی بخوبی متهود است. حدائی علما از دولت در نهضت مشروطیت تندید شد و روحانیون حامی رژیم و مخالف مشروطیت ماننبد سیخ فضل اله نوری که از علماء نیار معتبر نهران بود بسبب حمایت صمنی از دولت و مشروعه طلبی اعتبار خود را دست دادند و در عوض روحانیوتی چون طباطبائی و بهبهانی با پافشاری بر مشروطه طلبی و ایستادگی در مقابل استبداد قاجار اعتبار بسیاری یافتند. اصولاً مردم از روحانیون دولتی دل خوشی نداشتند و این مسئله دردوران سلطنت سلسله پهلوی نیز ادامه داشت. در این دورانه دارائی دولت از نظر روحانیون غیر دولتی که اکثریت فاطح علمیا را تشکیل میدادند نجس و غیر مشروع بوده و روحانیون کار دولتی را جایز نمیدانستند.

در زمان قاجار و در طول نهضت مشروطیت، مفهوم ملیت در ربر لسوای امب و اسلامیت قرار داشت و این خودیکی دیگر از دلایل اعتبار روحانیت بود. مردم بیشتر خود را یک مسلمان میدانستند سیک ایرانی و این به معنی آن بود که اعتبار رهبر مذهبی از رهبر ملی با دولتی برانب بیشتر بود و یژه آنکه مردم هیچگاه احساس نکردند که حکومتها و دولتهای موقت واقعا منافع آنها را در مقابل نیکان حفظ می کنند.

با پیروزی نیمیند نهضت مشروطه

که نتیجه سازش بورژوازی با فتوادالها و فروکش کردن شوق و شور انقلابی بوده بود روحانیت وحدت خود را صورت یک مجموعه بدست آورد، گرچه این وحدت قنلاً نرحتی در طول واوج جنبش مشروطیت نیز بصورت آشکارا رهم نکسخته بود.

دردوران دیکنا توری سیاه رضا خاسی گرچه روحانیت تحت فشار شدید دولتی منافع اساسی آن که منافع مذکین و بورژوازی جوش خورده بود به مخاطره نیفتاد.

جنبش ملی کردن نفت شاهد قدرت گیری بورژوازی ایران بود.

سرما یه داری ملی که این بار با تمام نیرو برخاسته بود توانست روحانیت را بدنبال کشیده و رهبری مبارزه را دست گیرد. جنبش رنگ ملی گرفت و نیروهای مذهبی را در چارچوب این ملی کرائی حرکت درآورد. این مبارز بورژوازی بود که برخلاف نهضت مشروطیت عنان رهبری را در دست داشت و روحانیت را بدنبال میکشید. فتوادالها و روحانیت وابسته بدان (بخش غالب روحانیت آن دوران) که بیرون کردن امپریالیستها و استقرار یک حکومت سرما یه داری با معیارهای مدرن را مخالف مصالح و منافع خود دیدند در مقابل مصدق و نهضت به توطئه چینی پرداختند. کانسای راهش را از مصدق جدا کرد و در تضعیف او کوشید و سپس ارا حرای موفقیت آمیز کودتا آیت اله بروجردی با مرستان تلگرافی برای شاه پیروزی را تبریک گفت و رژیم شاه را صرحاً تأیید کرد. (۳)

بحران سالهای ۴۲ - ۳۹ ناراضگی وسیع عمومی را باعث گردید. معبدان یک رهبری کارگری از سویی و سار شکاری و غلبه افتادگی مفرط بورژوازی ایران از سوی دیگر دست بدست هم دادند و روحانیت مبارز را پس از طی یک دوره در این نهضت قرار دادند. ارمیان حوزه قم آیت الهای سربا آورد که با قاطعیت و صراحت بی نظیری شاه را بر سر منبر به محاکمه میکشید. تمام او خمینی بود، اعلامیه ها و سخنان خمینی

توده های تشنه مبارزه و دلزده از رهبران خودگمارده جبهه ملی را بدسال خودکشید و غلیان انقلابی توده در ۱۵ خرداد منفجر شد. روحانیت که در آن زمان فاقد یک برنامه مبارزاتی و تشکیلات لازم بود دچار شکست شد. خمینی به زندان افتاد و سپس تبعید شد. رژیم به سلاخی مردم پرداخت و خونهای ریخته شده در هیاهوی انقلاب سفید و برنامه رفرم امپریالیستی شسته شد. بحران انقلابی فروکش کرد و نهضت فرار دیگری را طی کرد و به افول گرائید.

روحانیت شکست خورده و در راه آن خمینی از تبعید شروع به مبارزه کرد. عوامل جدیدی در اثر شکست ۱۵ خرداد به صحنه آمد. این عوامل خود در تحرک روحانیت برای پی ریزی یک استراتژی مبارزاتی مؤثر افتاد. اهم این عوامل عبارت بودند از:

الف - رادیکالیزاسون کل جنبش که نتیجه بلاواسطه تحولات زیربنایی و تشدید شرایط انقلاب بود مثل سرنگونی سلطنت و وابسته را در دستور کار جنبش قرار داد. روحانیت ماررهر چند کمیت کوچکی از کل روحانیت را تشکیل میداد سرگونی را پذیرفت و همراه با دیگر اقشار تن به مبارزه رودر رود داد. ترور مصور توسط فدائیان اسلام که مستقیماً ملهم از روحانیون رادیکال بودند، برندان افتادن و شهید شدن روحانیون مبارزی چون آیت اله سعیدی، منتظری، طالقانی، غفاری، تیلور این مبارزه رودرو بود.

ب - بسبب اضمحلال فتوادالیم رمینتهای تغذیه و اشکاء روحانیت از فتوادالیم کاهش یافت. اشاری از روحانیون تن به سازگاری با سیستم بورژوازی دادند. افشاری از فرهگیان روحانی بوجود آمد که تن به کار دولتی "نجس" دادند، پشت رل نسند و "مانیمن" را پذیرفتند. این عوامل باعث کشش که بخشی از خرافات و نجرات مذهبی از سلسله مراتب روحانیت و تفکر آن تمفیه شود و رمینتهای نزدیک روحانیون را با بختی از روستفکرا ن تحصیل کرده وجود آورد.

ح - مفر جدیدی از روشنفکران مذهبی در عارض بارزیم از بکسور روحانیت عقاب افتاده و منحصر از طرف دیگر وجود آمد. طرئه داران این موج مذهبی که ناخشان بدانسان عمامه و عبا است در جنبش ملی کردن نفت از میل شکل گرفته بود، افرادی چون بارزگان دست به تفسیرات "علمی" از مذهب بردند. در دوران سز از آغاز فرم و قیاسام ۱۵ خرداد این موج بسرعت رادیکال گره ده و برداشتهای نوینی از مذهب سب ارائه دادند. شریعی و بازنخ گره سازمان ماهدسن طیفهای مختلف این موج نویین بودند که حتی دست به مبارزه مسلحانه زدند و هر یک دست به خانه نکابی عظیمی در اندوخته سنتی تشیع زدند. حمله های صریح شریعی به روحانیت ارجاعی نمودار این حرکت نویین بود. اقبال عمومی روشنفکران و جوانان ارایین موج، عکس العمل روحانیت را در سر و سامان دادن به اوضاع خود، بدون یک برداشت جدید و محرک تازه باعث میشود. در واقع روحانیت در مقابل یک رهیب خودی به تکابو افتاد.

د - اگر موج نویین مذهبی غیر روحانی یک رهیب خودی بود، مارکسیسم انقلابی یک رهیب غیر خودی تلقی شد که سرعت در میان روشنفکران و جوانان در حرکت بود. این رقیب حتی بخشهایی از رهیب خودی را نیز سدال میکنند. اگر این رهیب تازه رهبری مبارزه با رژیم را بدست می گرفت اعیار روحانیت به خطر می افتاد، لذا کلمه بیرجسای روحانیت به تلاش افتادند تا دست از حجرات آخوندی بردارند، بر نامه سیاسی وایدئولوژیک خود را با خط کنسی با مارکسیسم بدون نمایند و با تکیه برارثیه مبارزاتی خرداد ۴۲ رهبری مبارزه بارزیم را بدست گیرند.

در آستانه برآمد نویین جنبش نو ده ای و شکل گیری موقعیت انقلابی در جامعه موقیعی روحانیت در مقایسه با رقیبای دیگر حاکی از نفوق آتکار است. فقدان یک رهبری پرولتری که نانی اراکمیت دیکتاتوری و سیاسی برامکی کموسیستها بود اس آلترا نیسو

را عملاً رسیدن بدر کرده بود، بورژوازی لیبرال با اسار شکارها و بندوبسته های فراوان و تکیه بر نهاد های درون هیئت حاکمه و امپریالیستها رشته های پیوند را با توده های رحمتکش بریده بود. روحانیت با اتکا بر ارثیه مبارزاتی ۱۵ خرداد، فعالیت سیاسی قابل ملاحظه پس ۱۵ خرداد ورنده نگهداشتن ارتباط سیاسی با توده، در دست داشتن یک ارتش وسیع تبلیغی و ترویجی که با اقصی نقاط ایران کشیده شده بود، اتخاذ یک برنامه رادیکال در سرنگونی سلطنت وابسته ساتکیه با اکثرییت محروم جامعه و برنامه فرمایشی برای ارتش توانست بر مرسته ای که بوده ها در خلسه و آرزو در خلسه در آن راه می پیمودند رهبری بلاسازع را بدست گیرد.

۲. ترکیب طبقاتی فشر روحانیت بطور کلی تارمانی که سیستم مستعد در ایران یک سیستم فئودالیستی مستعمره بود روحانیت ایران از لحاظ با بکاه طبقاتی بطور عمده بر فئودالها و قسما بر بورژوازی و خرده بورژوازی در حال رشد ایران تکیه داشت. با آغاز سلطه مجدد امپریالیسم پیس از کودتای ۲۸ مرداد و سبیرانی که در ساخت نظام جامعه آغاز گشت با عصب نشینی بدرجی فئودالیسم و ایجاد و گسترش بورژوازی کمبرادور روحانیت ایران نیز نمیتوانست از تأثیرات این فراند در نظام جامعه بی بهره بماند. فئودالها تحت فشار بودند تا در خدمت گسترش سرمایه داری وابسته فرار گیرند. بورژوازی ملی نیز به دایره وابستگی فرو می غلطید و از لحاظ سیاسی توان مبارزه جدی را نداشت. کمبرادورها با حمایت امپریالیسم کلیه رمیندهای اجتماعی را به تدریج قبضه می کردند.

تأثیر مستقیم این تحولات در روحانیت آن بود که فشر وابسته به فئودالها (روحانیون مرتجع) یا به صف اقشار دیگر رانده شدند و یا به مدیحه گوئی ارسیتیم نویین دولتی پرداختند. افتار وابسته به بورژوازی ملسی

روحانیت نیز سرنوشتی مشابه بورژوازی ملی پیدا کردند. نتیجه آنکه از لحاظ ترکیب طبقاتی روحانیت در آستانه اعلام و اجرای طرحهای امپریالیستی انقلاب سفید عمدتاً به بورژوازی شهری و سنتی و بورژوازی تجاری و بازاری تکیه داشت. این اقتسار به درستی از انقلاب سفید شاهانه هراس داشتند، از طرف دیگر انقلاب سفید میکونید تا روحانیت را در حوره های اجتماعی دیگر نیز مجبور به عقب نشینی کند. چنگ انداختن بدرجی به اوفاف و مساجد و سکا یا، دولتی کردن و کنترل برنامه های روضه خوانی و عزاداری، تحکیم در آوردن حوره های علمیه و بورنهای تاجرانه ای بود که سعی در اسیلار جامع روحانیت و مهار ردن بر آنرا داشت. این اقدامات نیز راه تنفس روحانیت را سنگ میکرد و میدان به نارضانی میداد.

تفاوت روحانیت مبارز ۱۵ خرداد با رهبری روحانی جنبش مشروطه در این بود که در خرداد ۴۲ روحانیت عمدتاً برخوردار از تکیه کردور روحانی جنبش مشروطه بر بورژوازی (۴) بیلوران، شغیر در تکیه گاه اجتماعی رامی توان در برابر موضع های فدا میریالیستی خمینی که به منظور طلب خرده بورژوازی صورت میکرد مشاهده کرد.

روند گسترش سرمایه و اسسه پس از فرم ادامه یافت و به گسترش صغوف خرده بورژوازی که نتیجه مستقیم اضمحلال جامعه روستائی و آوارگی دهقانان بود انجام مید. روحانیت امروز ایران بطور عمده در میان خرده بورژواها، کسبه، دکانداران، کارمندان یا شین رتبه بخشهای خصوصی و دولتی نفوذ دارد و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی همسنگ و هم طرار آنهاست. (۵). ایس نزدیکی در با نگاه طبقاتی به جنبش روحانیت مبارزه از اتحاد مواضع فدرلسطیتی ضد امپریالیستی و دوری از مواضع سازشکارانه و اداشت بیسول لنین: "حراکیش روستا این پاسبان سخت کیش رسمی نشان داد که ستر طرفدار دهقان است تا بورژوازی لیبرال؟"

روند حرکتی انحصارطلبانه این جناح یاسو، استفاده از حسن طبع بوده‌ها به تدریج باروی اساسی ترین اصول درخواستی مردم در طول انقلاب می گذارد. این روند درآستانه بین‌ارو نشستن کردوغیا رها و فروکش ششور انقلابی بوده به عاملی اختناق می تبدیل خواهد شد. حملات و یورشهای این جناح به مواضع جنبش چه می‌توانند جامعه را ناله یک تعارض آشکار داخلی ببرد. در صورتیکه این تعارض بی‌وقوع نیبویسد، براساسه های ضد دموکراتیک این جناح پس از رفتن خمینی وطنی شدن دوران برخی فعلی امکان به قدرت رسیدن جناح‌های لیبرال روحانیت را زیاد خواهد کرد. اگر جناح غالب روحانیت انحصارطلب بوده و تن به دموکراسی و مردم سنا نژی نمیدهد در عوض خواهان تعدیل توزیع ثروت در جامعه سرمایه‌داری با حفظ اساس این نظام (مالکیت خصوصی برابر تولید) است ولی جناح او ایستاده سوز زواری لیبرال روحانیت بطور آشکارا همین تعدیل در توزیع ثروت نیز مخالفت می‌ورد. تضاد موجود بین این دو جناح در مورد برخورد به دموکراسی و حقوق سیاسی شده‌ها که غالباً به سازش و ساخت و پاخت میکند در پیوند ننگ‌ننگی با سرمایه اقتصادی و جایگاه طبقاتی این نیروهاست. دموکراسی ادعائی جناح تریبتمداری چیزی جز قریب و تحمیق صرف‌نوده‌ها برای ندادن همان بکه نان خیراتی که خمینی می‌خواهد به خیال خود برای تعالیسی اسلام به مردم بدهد نیست (۷) این صف کنی در مورد برخورد به دموکراسی و برنامه اقتصادی در این مرحله از جنبش برخورد این جناح را با سایر نیروهای سیاسی جامعه بفرنج کسب کرده است. خمینی هر روز و تقریباً در هر سخنرانی به حوفدنانان سوز زواری روشنفکران لیبرال و آرا ده و جریانهای رادیکال و چپ حمله می‌برد و حاضر نیست کوچکترین عقب نشینی را در رابطه با این نیروها بپذیرد. بهشتی از بیست تریبون حزب جمهوری اسلامی خواهان به محاکمه کشیدن نزیه میشود و رادیو

تلویزیون بمنابا به ارگان این جناح شدیدترین حملات را به نیروهای مخالف مینماید. در عوض شریعتمداری در کنار تفقد از لیبرالهای "غربی" در مورد نیروهای چپ و رادیکال سکوت کرده است. این سکوت که البته تاکنیکی است در واقع به معنی با زکذاشتن این نیروها در حمله "مشروط به خمینی است. البته تا آنجا که وحدت کلمه وصف مشترک روحانیت دارای شکار آشکار نگردد، مانورهای حزب جمهوری خلق مسلمان و گفته های دوپهلوی خود شریعتمداری در مورد مسائل مورد بحث جامعه مانند رفتارند مجلس مؤسسان و ههههه نمودار این حرکت اند. در اینجا اتاره‌ای در مآورد طالقانی ضروری می‌نماید. طالقانی که عمدتاً در بین روشنفکران و تحصیل کرده‌ها صاحب نفوذ است خواهان تعمیری امروزی تر از اسلام می‌باشد. اصرار طالقانی در مورد سوراها و واگذاری حق تصمیم گیری به رحمتگان او را بیشتر یک شخصیت سیاسی جلوه میدهد تا یک شخصیت روحانی. بی‌شک نیست که او در بین خود روحانیون تنها دارای شخصیتی "قابل احترام" است. فقدان مواضع مشخص و مبهم کوئی های او نه غالباً بخاطر "معالج جنبش انجام میکرد یا عت شده است که جناحهای مختلف بیوزنه جناح خمینی کمال سوء استفاده را از او و شخصیت مبارزاتی اش بنماید این است که اوسرار تلویزیون قطب راده در می آورد اما فقط برای تفسیر قرآن طالقانی نتوانسته و یا خواسته است که نیروهای همفکر خود را بعنوان یک جناح سازمان دهد. تفق او امروزه بیشتر از هر چیز نقش یک میانجیسی است تا نیروهای مختلف. حتی چپ ناراضاتی و کله مندی خود را با اسناعت از او ابراز کنند. از نظر کلی جایگاه جناح غالب و مغلوب روحانیت در تعارض آشکار با چپ و وحدت در دراز مدت با سوز زواری است. هرچه پیوسه گسترش صفوف و قدرت چپ و جناحهای رادیکال جنبشی

تشدید شود، جایگیری جناحهای فوق در موقعیت ذکر شده تسریع خواهد گشت. در برخورد به امپریالیسم سوز دو جناح عمده روحانیت در چارچوب حرکت عمومی طبقاتی خود واکنش نشان میدهند. برخورد جناح خمینی همان برخورد لایه های بالایی خرده بورژوازی است. بر خوردی عممی، بدون شناخت و غیر سیستماتیک ولی عموماً ضد امپریالیستی (۸) برخورد جناح لیبرال نیز بهمان ترتیب سازشکارانه، مماسات طلب و فاقد خصلت عمومی ضد امپریالیستی است. ۴ - مؤختره شریعتی یکبار گفته است که خصلت های عالی تشیع علوی در تعارض با قدرت حاکم ظاهر میشود و هرگاه که تشیع به قدرت رسیده است به فساد و بساھی افتاده است (شیع صفوی) صرف نظر از صحت این گفتار یک نکته قابل بررسی است که تشیع و روحانیت که قریباً در حاشیه قدرت سیاسی جامعه بر برده و حتی از آن دوری جسده است، روحانیتی که عملاً سیاست و مذهب را جدا میدانسته و عمدتاً در خلوت حجره ها به تفسیر و تالیف احکام و احادیث می‌پرداخته است، روحانیتی که حتی تصور کسب قدرت سیاسی را میکرده امروز قدرت سیاسی را بدست آورده، از حمایت نوده‌ای برخوردار است و میخواهد جامعه ایده‌آلش را بنا نهد. این دگرگونی عظیم در رابطه با قدرت سیاسی و بالا آمدن از فرود به اوج چه تغییراتی در نهادهای روحانیت خواهد گذارد؟ چه تغییراتی در مناسبات بین روحانیت و سوده بدید خواهد آورد؟ بحرانهای سیاسی و اجتماعی آینده روحانیت را در بر خواهد گرفت؟ اگر این بحرانها بوجود آند چه تحولاتی در بیدارهای مدهبی نوده بوجود خواهد آمد؟ هرچه پیش آید یک چر مضمی است و آن اینست که روحانیت تشیع یک نقطه عطف تاریخی را طی کرده است، تحولاتی نهادها و روابط منفا بل بین روحانیت نوده و بیدارهای اعتقاداتی مردم را دچار دگرگونی های

عظیمی در اس موارد خواهد کرد. تا بد روحانیت کلیسا بدرستی مذهب را از ساست جدا نمودن با در روحانیت تشیع پادرمیان تله‌ای به فراخی بی بنیانی مذهب می‌دهد. سهررو همان طوره که گفته شد آنچه قطعی است دگرگونی های عظیم است، اینک به حرحس تحولات به چه سو خواهد بود تا حدود زیادی درگرو برد تا شیوه و کارائی نیروهای رادیکال سوبسزه نیروهای سوسیالیستی است.

(۱) - این ویژگی روحانیت یعنی عدم دخاله و شرکت در امور جاری کسه در گذشته باعث تقویت نفوذ روحانیت در مقایسه با دولتیان می‌شد امروزه در جمهوری اسلامی شکل جدیدی یافته است. روحانیون تشنه قدرت بسرعت مشاعغل احرایی را علی رعم گفته خمینی قبل از پیروزی انقلاب قبضه می‌کنند، مشاعغل دولتی علنی روحانیون مانند معاونت وزیر، سفیر و غیره در کنار نفوذ غیر مستقیم روحانیون در امور دولتی پای آقبان را بحدسه سیاست روزمره مملکت و مسئولیت های آن باز کرده و لاجرم آنها را درافسو خیرها و فرار و نشیهای آن دخیل خواهد نمود. این دخالت عوارض ساکوار خود را طبعاً "بدنیال خواهد آورد، عیاضی که به روحانیت خواهد آموخت که تنها کسی اشتباه نمی کند که عمل نمی کند. اتفاقاً "سورژواری حاکم هم خواهان همین است سورژواری لیبرال می خواهد به روحانیت بفهماند که "ارتاد" کردن چری جز بائی گود نشستن نیست پس روحانیت را بداخل کسود می کشاند با آقبان بفهمند که بایستی رودتر از آنکه چهره قدیمی و روحانی و خطا ناپذیریان خدسه دار شود فلنگ را ببندند و کار را به بعهفیده های کراوات بوش سورژواری و کارکنان کنوکرات آنها واگذارند. این نکته ظریف را البته برخی از روحانیون دریافته اند، طالقایی علناً "روحانیت را دعوت به بارگشت به مساحد می کنند ولی روحانیت بیش از اینها دوری از قدرت را تحمل کرده است که امروز چشمانش را بسواند بار کند.

(۲) - کنش و واکنش های درونی جامعه روحانیت در طول انقلاب اخیر ایران نیز بی شباهت به دوران مشروطیت نیست. جامعه روحانیت ایران در آستانه و در طول بحران انقلابی بر سر نهاد سلطنت دارای مواضع یکسانی نبود. خمینی با قاطعیت سرنگونی سلطنت را مطرح می کرد و شریعتمداری خواهان دادن فرصت به دولت شرفا ما می بود، دو برنامه متفاوت در مورد جهت و اهداف جنبش طرح شده بود که با هم تعارض آشکار داشتند. این فقط یک نمونه است در جای دیگر آیتاله خوئی فرستاده فرح را می‌پذیرد و پول کلانی دریافت می دارد تا از این طریق پایه های لیزان سلطنت پهلوی را مستحکم نماید. این همه تضاد اشکار در جامعه روحانیت اما در سطح علنی مطرح نمیشود. دست بالا خمینی به شیوه ای بسیار کنک و نامعوم، بشکلی که فقط اهل فن می فهمند به آیات عظام همدار می دهد و جالب آنکه پس از پیروزی قیام دوباره روابط مودب و دوستی فیما بین برقرار می گردد نوگویی هیچ اتفاسق نسفاده است البته این ظاهر فحسه است تضادهای درونی (طبقاتی) جامعه روحانیت کماکان پابرجاست. عرض فقط یادآوری این نکته است که این تضادها بحدت علنی شده و در اکثریت قریب به اتفاق موارد تحت الشعاع "وحدت کلمه" روحانیت فرار مکنبرد

(۳) - عناد با دموکراسی سورژواری از طرف روحانیت بسیار طبیعی است چرا که پذیرش این دموکراسی بمعنی دست بستن از امتیازاتی است که روحانیون به آسانی از آن نمی گذرند. دشمنی با دموکراسی سورژواری در قالب غربزدگی، ارزش قائل نندن برای مبارزات ملی صدق، دموکراسی و دموکراتیک را فریب دانستن، همه ریشه در تضادهای دارد که بازمانده روابط ما قبل سرمایه داری است و خمینی و بخش اعظم روحانیت در نار و بود آن گرفتارند.

(۴) - در اینجا موارد متعدد دیتسبر منظور از روحانیت بخش فعلا مسلط آن است و کرئه تردیدی نیست که بسیاری

از روحانیون کیه اصلی را بر سورژواری دارند و از آن الهام میگیرند و نه از خرده سورژواری.

(۵) - بخشهای بالایی روحانیت به ترتیب در میان افشار بالایی خرده سورژواری (بازاریان و نجار و کسه کم سرمایه) و سورژواری متوسط (سرمایه داران، تجار و بازاریان با سرمایه متوسط) و سورژواری بزرگ صاحب نفوذ و حشیت است تضادهایی که امروزه در جامعه روحانیت به چشم می خورد ناشی از همین اختلاف و سلیقه طیفانی است این اختلافات در اکثر موارد به نفع سلسله مراتب روحانیت و حفظ یکپارچگی آن "حل" می گردد.

(۶) - این جناح صاحب وسیع ترین نفوذ توده ای است گذشته از نفوذ وسیع توده ای این جناح در خود روحانیون بخصصوص طلاب و وعاط جوان کم و سار نهروستانها که غالباً فعال تر و پراسرری تر از روحانیون "جا افتاده" اند دارای بسنترین اعتبار است. حزب جمهوری اسلامی، سازمان نظامی مجاهدین انقلاب اسلامی، کیهان و تاحدیرادی اطلاعات و قشر وسیعی از روشنفکران و دانشجویان سیاسی مشکل و فعال، و انجمن ها و هیئت های انذمی و هه زیر نفوذ این جناح اند.

(۷) - این ژستهای "دمکراتیک" ار جهنی ناشی از ضعف پایه تشکیلات هم هست که حضرات آیتاله را مجبور به گرفتن قیامه "مطلوم" می کند. عمده نیروهای جناح لیبرال روحانیت در آذربایجان و جمعیت های آذربایجانی است در واقع نفوذ شریعتمداری در آذربایجان انعکاس غیر مستقیم مسئله ملی خلق ترک است که بعلت فهدان آلترناتیبو حدی اجبارا - و قطعاً موفنا - حول فعالیت و برنامه اومنمرکز شده است شریعتمداری با دادن فتیوای عدم طرح مسئله ملی آذربایجان تا تکیری دو هدف با یکدیگر را می کند. از یکسو مسئله خلق ترک را سکوت کسدارده و از انطریق به سورژواری لیبرال ییاری می رساند و از طرف دیگر با سکوت کسداردن مسئله ملی، امکان به جریان افتادن بقیه در صفحه ۱۰

درباره

انتخابات شوراها

سراجام پس از ماهها هابه‌سوی تبلیغاتی رساله‌های خبری و سخنرانی - های ایدئولوکیهای رژیم کتونی در سبب عدم معارض ولایت‌فقیه و نظام ثورائی ، انتخابات شوراهاى شهر هفته‌گذشته صورت گرفت . نتیجه این انتخابات سد بزرگ شکست رژیم و رسوائی بیسابقه آن در انظار نوده‌های مردم بود . اساس انتخابات در واقع آئینه تمام نمای بانوائی و یوسیده‌گی سیستم حاکم و بی- اعتمادی عمیق مردم نسبت به دستگاه دولت میباشد . شکست انتخابات به اصطلاح شوراهاى ساخته و پرداخته فقها نشان میدهد که حکومت جمهوری اسلامی از زمان قیام تا کنون تا چه حد در میان توده- های مردم منفرد تده و در واقع از چه مقدار "اعتبار" سیاسى برخوردار است . بهتر است نخست نفسیرما چرا را از زبان خود حکام فعلی بشنویم . هاشم صباغیان وزیر کشور مسئول اجرای انتخابات در توضیح علل عدم استعمال مردم از انتخابات شوراهاى شهر میگوید "اسقبال مردم برای شرکت در این انتخابات خوب نبود و این ناشی از عدم آگاهی مردم به نقش ثوراهاى شهر است و اساسا ناآگاهی مربوط به فرهنگ ما است" جل الخالق - مثل اینکه وزیر کشور فراموش میکند که جقدر روی جفانیت آراء همیس مردم "ناآگاه" و "بی فرهنگ" زمانیکه مسئله فریاد مردم جمهوری اسلامی ۸ ماه پیش طرح نده بود تبلیغ میشد ، ایشان فراموش کرده‌اند که طی ۸ ماه گذشته در پرتو فرهنگ و معارف حکومت جمهوری اسلامی ، مردم میبایست پیش از زمان طاغوبه فرهنگ عالمه اسلام و آگاهی - های سیاسى دست یافته باشند و نتیجه اس سعالی فکری میبایست که حداقل در سور و هیجان و استقبال بیشتر آنان از رساله‌های "جمهوری اسلامی" و از جمله انتخابات اخیر آن منعکس شده باشد و نه بر عکس . اتفاقا نتیجه این انتخابات

نشاندهنده این واقعیت بود که علیرغم تبلیغات بوج و بزهای "مستضعف" فریب ، مردم تا چه حد به ماهیت واقعی دولت فعلی بی برده و از اعمال آن آگاهی و شناخت پیدا کرده‌اند ، الفاظ پر آب و رنگ و ارقام دور از واقعیت ۹۹ درصدی که رژیم در سوجیه مردمی بودن انتخابات گذشته صادر میکرد امروز مخ خود این دولتمداران را میکوبند . ترسیم منحنی شرکت مردم در انتخابات گذشته حتی با استناد به آمار و اقوال سخنگویان دولت کنوسى نشان میدهد که آنچه که در گذشته پایه توده‌ای رژیم نام گرفته بود سرعت و به تدت بیسابقه‌ای رو به نخر به هوا است . سنا به ادعاهای سخنگویان دولت ۲۲ میلیون نفر در فراندنم جمهوری اسلامی و ۹ میلیون در انتخابات مجلس خیرکان شرکت کردند . لیکن تا کنون هیچ نوع ارقامی در رابطه با انتخابات شوراهاى شهر اعلازم نشده - سؤال ایست که آیا رقم شرکت کنندگان در انتخابات آخر به یک میلیون نفر هم میرسد ؟ انتخاباتی که افساح آن با بدان حد رسد که حتی حزب جمهوری اسلامی نیز به مخدوش بودن آن بالاجبار اعتراف کرد . انتخاباتی که اکثریت شکننده مردم از آن استعمال نکردند و آنها سیر که به پای صدوق رفتند ماهیت جریان ریا - کارانه مسئولین امور را دیدند ، البته بهتر از این هم نمیشود دعسوائی جناحهای حاکم و افساح انتخابات تا بدان جا رسید که بازخره دولتست در بسیاری از شهرها انتخابات را باطل اعلازم کرده در بسیاری از نقاط مختلف مملکت ، مردم با پاسداران و مقامات دولتی درگیر شدند که به حیثیت و جرح و قتل انجامید . در بسیاری از شهرها مردم با برگزاری راهپیمائی ، تظاهرات و تحمن خواستار ابطال انتخابات و انحلال شورای شهر شدند که البته با تهاجم جریانات معلوم الحال "حزب‌اله"

به خون کشیده شد ولیکن مردم دست از مبارزه و مقاومت برنداشتند . دعسوائی مشهور حزب جمهوری اسلامی و وزارت کشور علاوه بر اینکه خود گویای حاکمیت سیستم تقلب و فساد انتخابات است گویای این واقعیت نیز هست که در بسیاری از نقاط کاندیداهای حزب حاکم انتخاب نشدند . شرح این مامش کمدی از رسان طرفین ما چرا تسبدتی است ، حزب جمهوری اسلامی : " ۵۰۰ رور جمعه انتخابات شوراها در شهرسناها برگزار شد . و آنچه امیدها که در دل مردم پس از سفارشات امام و بیانات آیت اله منظرک و توصیه‌های مرحوم طالقاسی و نویده‌های حزب جمهوری اسلامی بوجود آمده بود تا مردم از میان خود بهریشانشان را انتخاب کنند و رفق و رفق امور شهرشان را با شناخت کامل به مسائل جاری خود بدست گیرند همه بر باد رفت و در بعضی نقاط به پائس میدل گردیده ۵۰۰ متا سفاه در بسیاری از شهرستانها مردم استعمال گرم و نایسته‌ای از این انتخابات نمودند و گزارشها و نکابینی که تاکنون واصل شده است حاکی از نامرتب بودن انتخابات ، اعمال نفوذ بعضی مقامات مسئول فرمانداریها و استانداریها و وزارت کشور و رفتار غیر قانونی مستقیم و غیر مستقیم آنهاست " و پاسخ وزیر کشور : " من رسا به حزب جمهوری اسلامی اعلازم میکنم که کادر برگزارکننده انتخابات نوراهاى شهر همان اسنانستداران ، فرمانداران و کسانى بوده‌اند که انتخابات فرزندوم جمهوری اسلامی و انتخابات مجلس خیرکان را برگزار کردند . حزب جمهوری اسلامی باید پاسخ دهد که چرا انتخابات مجلس خیرکان مخدوش نبود ولی انتخابات شوراهاى شهر مخدوش بوده است ، این را هر خواسته می تواند بفهمد که دلیل ادعای "مخدوش بودن" ناشی از چیست ؟ اگر به اسفراذ

دیكتاتورى قانونى

مثل معروفى است که میگوید: "کره مرده را خوب نمی رسد" مجلس حرکان - ما به بعبر درست مردم کوجه و بازار "مجلس حکماک" - مرده ای است که نابد حاحی نابد دربار هاشن حسن کف. اقتضاح این مجلس را ننها مسمو با محالسن نئی "آرنا مهر نسبه کرد که مردم، ما نوعی سوچی، لطیفه و ار همه میسر نی معاوتی و حدی نکره نس جار و حمال های نلیغایی دستکاههای ارساط جمعی در حول و حوس جلسا نس نسبه آن عکس العمل نشان ممدادسد. هر چه مجلس به ناحه آرنا مهری ظاهر حدی سری نخره منکره، بهمان نسب نی معاوتی و نااوری بحق مردم افراسن صافو و عانس هم ندیم در بنظ همسن نااوری به اسناداد، چگونه نسام حوسن مردم غله سمکران نظام بسمن نکل کره

امروز هم در مورد مجلس حرکان وضع بهمان روال گذشته است علمرعم جار و حمال های مد و سمای جمهوری اسنمی و دیگر ارکانهای نلیغاسنی ررم، مجلس حرکان در دهی مردم مرده است آرا حدی نمکرود کاسال ۲ نلوسون کثال نفرح مردم شده است، مسئولان امر نیرا نمموسد و نا نعی خواهد که بسند و نسوید. وان می نوانسد در سر هر کدر و محفلی صران ناور مردم را نسبه کار اسن مجلس درنابسد بهر حال آنچه که ضرور بسن کسدن اس مقاله را ابجاب کرد، عموه احیر اسن مجلس است که نسام نمدهد، حضاب "حیره" نمی نوانسد سر موسی را فراسر ار نرک نسبی نسام نسند. بعد از نوسوب "و نسف نسبه" و حرعذنی دیگر درباب نسفت کردن نسج و مهره های دیکناوری فقها، جسم همه آرادسواهان به حمال "ناه کار" دیکر "حرکان" روسن نس اصل ۸۷ در مسورد "وظائف و اخسارات رهبری" را می نسزم.

مجلس حرکان پس ار ۴۰ ساعت نسفت در کمسون های مسرک و ۲ جلسه علنی فاونی را به نسوب رساند که طوقا ن محال و فرصت کافی در احبار هر خود - کامهای که خواهد آرا دی را "فاونسا" نجون کنند، کداسه نسود. کوی که همه حضرات عفسان را روی هم ریخته اند تا همه احباراب ناه مخلوع را انسار. سوسط "فاون" و نا "فاونسا" به مقام ناص رهبری نعوین نسامند و نوکوی نس سارزه ای که طی آن مردم نساط دیکناوری نسکن پهلوی را درهم کوسد، مسانس "فاونی" و نا "عرفاوسی" نسودن دیکناوری بوده اسد و نا دیکناوری ناه که ار احساراب نامحدود وی در امور جاری مملکت نساء منکرهت، نس دلل مدموم بود که اس احساراب را نطور "عمر فاونی" ناصاح کرده بود. درحالی که آنچه حمرمانه مخالف و نمام نسک یارچه مردم غله رژیم ناه کس نسود اس احساراب بود به "فاونی" بودن و نا "عمر فاونی" بودن آن، و ار طرف دیگر امر نسود فاونیکداران "حیره"! نسبه نده اسن که کویا مردم احمند و میوانسد نهمند که آنچه را که در ۶ ماده و نسج نس در مورد احسارات و وظائف رهبری نسه نسوب رسانده اند، در واقع چیری نسبت حر نحدید نیای سامان فرو رسخته نظام بسمن. چرا که، مطابق اصل ۸۷ احسارابی که به مقام رهبری نسوسن منسود، حملکی در جارحوب امکا ناب و احسارات نامحدود دیکناوری خودکامه اس که می نواند، همه حقوق احماعی و اساسی مردم را "فاونسا" نلبت نسامد که اسن خودکامکی حتی، حقوقی را که مطابق اصول قلی به مردم داده نده اسه نسر شامل میسود. بعبارت دیگر اگر مردم، نعی همانهایی که مبارزه نسسرای سرکونی رژیم فاسستی پهلوی را نسه پیروزی رسانسد، فردی را نعترا نرئسن

جمهور اسجاب نسودسد، رهبر می نواند، ن دلیل نسدن ملاحضات (که نسفت کسداری اس و فابل بعبر ار ددکاهه های

نمعاوت) در فرد مذکور، او را ار اسن مقام طع نماند، نسوذه کلیه اصسور دفاعی و عرل و نصاب افراد کسشوری و نسکری نسر در احسار رهبر کداتسبه میسود نا حاشکه ار کلیه مقامات مهم ارکانهای محلف دولتی، چیری حرمعاوتی نوحالی نایی نمی ماند

بهتر است که اس مموه را نکار دیگر مرور نسیم نا به مزان حاسبت حرکان، در نی ربری نک "دیکناوری فاونی" نسسر پی نسیم. بعفیده ما مس اس مموه ار هر نسسری در ناره آن کویا رس اس.

مطابق اصل ۸۷، رهبری دارای اس احساراب اس.

- ۱- نسین فقهای سوری نکهان.
- ۲- نص عالسرس مقام فصایی کسور.
- ۳- فرماندهی کل نسروهای مسلح به نرسن رس:

الف - نص و عرل رئیس کل نسناد مسرک.

ب - نص و عرل فرمانده کل سپاه باسداران انقلاب اسلامی.

ج - نسکبل سوری عالی دفاع ملیسی مرکب ار هفت نفر به شرح:

رئس جمهور (که مطابق نسد ۴ پس ار انمخاب توسط مردم نابد حکم رسات جمهوری وی نامصای رهبر نرسد و در غیر انصورت، عهده دار اسن پست نسود)

نصب وریر ورر دفاع

رئس کل نساد مسرک (که اسما فیلار طرف رهبر انمخاب نسده اس)

فرمانده کل نسا باسداران

ز ابان نسر ار نموسن رهبر اس) بقیه در صفحه ۱۰

و دو مایور نه بعین رهبر (بعیة علاؤه بر همه افراد فوق که فعلا مسقیم با عیوه مستقیم، از طرف رهبر انتخاب شده اند، برای سف کردن قصه، رهبر دو مایور راهم برای سوراوی عالی دفاع ملی انتخاب میکنند.)

د - بعین فرماندهان عالی سورهایی به کانه به پیشنهاد سوزرای عالی دفاع (همانطور که در فصل آورده شد، خود افراد سوزرای عالی دفاع حملگی از طرف رهبر انتخاب شده اند.)

ه - اعدان جنگ و صلح و تسخیر سورهایی به پیشنهاد نورای عالی دفاع (در واقع به پیشنهاد خود رهبر)

۴- امضای حکم ریاست جمهوری بسوزرای انتخابات مردم، صاحب داوطلبان ریاست جمهوری باید فصل از انتخابات از جهت دارا بودن شرایطی که در این فاسون مباد به نائید سوراوی بکهنه (که منحیر رهبر است) برسد و در دور اول مجلس نائید رهبری برسد

۵- عزل رئیس جمهور یا در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دسوال عالی کشور به تحلف وی از وظائف فاسوسی با رای مجلس سوراوی ملی به عدم کفایت ساسی وی.

۶- عفو یا تخفیف مجازات محکومین، در حدود مواردی اسمی، پس از پیشنهاد دسوال عالی کشور.

تاریخ، هیچگاه حیاست این "حبرگان" را نمی بخند، آنانکه امروز سرخی از سر سوداگری و نحسی از در حوزة فاسی بسا نمویب حییی فواسمی، ساردنکر رحبر بر دگی را به پای مردم می بیدند، خود در سگاه مردم سمنک محاکمه کنند خواهند شد. ●

انتخابات سده مراحه شود، جواب حرب جمهوری اسلامی دریافت خواهد شد و مروری کوتاه بر نام کسانکه سوراوی نمایندگی سوراوی شهر انتخاب شده اند دلیل اعتراض حرب جمهوری اسلامی را روشن میکند. " و ما سیر پاسخ میدهم که هم انتخابات محدودش بود و هم کسی از آن استقبال نکرد و هم حرب جمهوری اسلامی موقعی نداشت، ابطال انتخابات بسیاری از شهرها توسط شخص و سر کسور ادعاان حرب حاکم و وزارت کسور به عدم استعمال توده های از آن و بالاخره سبجه آراء، آحد شده و روی سرگردانیدن مردم از حرب حاکم بهرین سد کسوت و محکومیت سستی است که در حبرف از " مستمعین " دم میرداما در عمل با نوسل به حدعه و ربا و تغلب انتخاباتی در مقابل حواست واقعی بوده هـ مایسد و سراسی که توده ها با عدم شرکت خود در این انتخابات و مقابله با آن داغ سکارا بر پیشانی سسسم سرمایه داری جمهوری اسلامی و کارگران فقه آن کوبندید و سان دادند که به این جماعت اعتماد ندارد ●

خواستهای ملی ترکها را در محرای طبیعی سد کرده، به محرای مصنوعی آن که جبری حر حواست از شخص شریعتمداری بسست می اندارد. این اسدکه ناکهان روحانی سلطنت طلب سمنار فمام به امام شریعتمداری و همیا و همطراز حمسی تبدیل می شود، از نفوذ حـ ساحت سربعمداری در بین ترکها که بگذریم این حناخ حرب جمهوری خلق مسلمانان، روزنامه بامداد و فسا " اطلاعات را قیسه کرده و در میان روحاسون فدیمی تر صاحب نفوذ است

(۸) - هر جا نحسی از برحوردها با مواص صد امیرالیسی نحی از روحانیت نحی مرورر منظور ابرارانه، دعاوی و سـ حداکثر حواست این نحی سار تحلیل خود آهسته و کره سردیدی سست که اول ساری از این ابراراب و دعاوی ظاهر ساری است و ساسا صد امیرالیسی بودن از صد سرمایه داری بودن قابل تفکیک سست و هسنگ از روحاسون صد سرمایه داری سست سعارت دیگر " سـ امیرالیسی سس" روحاسون حداکثر صد خارجی هستند و نه صد امیرالیسی سستی واقعی ●

ه : آقای حمسی و...

است سوی دیگر مسئله که بالظـع، در محله سبک نظران سمی کسند و از آن درگی ندارد ابست که فحشاء، سانی از هررگی و سی بند و ساری در روابط رن و مرد صرفا یکی از مظا هر جامعه فطعانی است اکبر سـ

این مسئله از این زاویه سبر سکر سسه بود، بار خواهیم دید که حل مسئله فحشاء چندان ارتباطی به سی شوهری و با اردواج رنان و مردان ندارد بلکه ایسار هررگی و فساد سیمانکونه که در سایر روابط اجتماعی با تیر میگذارد، در روابط عاطفی انسانها سبر مؤثر واقع میشود. این آلودگی و سیاهی، معلول

مناسبات تولیدی و انعکاس آن در روابط انسانها در حوامع فطعانی است، پس سرای حل مسئله فحشاء، باید غلب آسرا از بین برد باید انفضاحماعی کرد و سـ دکرکون کردن مناسبات تولیدی، اسان و ارس های کهنه های را که معلول اسس روابط اند سفسر داد آنها همه را آبنای حمسی با اعدام میخواهد حل کند حندر حوت سسرد فصای جهان به همین سادگی دیده و حل سسد ولی مسافه جهان سجدیده سز از دهی آقای حمسی است ●

مذاهب نامه زمانی
نشریه
سازمان وحدت کمونیستی

آقای خمینی و اورپانافالچی

سار نکدیب حصر محاصره افشای خمینی با اورپانافالچی تا آخره اسن محاصره در رورساره اطرافات ۱۵ مهر خاب رسد

غلب نکدیبا اولیه این محاصره و سس جاب کامل آن را در رورساره ها سها بدلیل اسنار اسن محاصره توسط اکبرس رورساره های خارجی منوان دید اورپانافالچی رورساره سکار مغرو ایالمائی که سحرخاضی در کفکونوا افراد 'نحه' جهان دارد، سثوانت خود عماره نظرات اسن سحکان را، جها سان عرضه کرده و سمس دلیل سر معروفی رما دی در اس رسنه کسب کرده اسن محاصره های وی تا هسرنسینی، ایدی اسن و ساه ساق و سلاخره تا رهبر انقلاب اسلامی ار ساهکارهای سحرکاری اسن محاصره اخیروی تا آقای خمینی آنقدر کویا اسنکه حاشی برای سفسر ساقی سمنکدارد اما سر خورد و سادآوری سحسی ار اسن محاصره آمورده برای کسانیکه هسور بدسبال کلمات امام سمرکدند و تا اسن سناسد جها سمول سوسفند که س ارار، بلکه همه جهان را سوی مدسه فاصله هدایت کند سمرتا سکر اسن.

عملکرد ۸ ماهه سسار انقلاب روحانیت و دولت سمنخبوی سنا سکر عدم سوانائی کامل آنان در حل معضلات و سکلان ساسی - اجتماعی و اقتصادی جامعه سناسد

تکرار حملات غارسی سرک سده سنام اسلام ار مکتب های سرفی و سپی کردن اسن سعارها ار مضمون واضعی آنها سسه سها راهکمای سکلان سواهد بود بلکه هم اکنورد سساکرای سحرکان "سرسده اسن، سعارهای جامعه سنی طیفه سوحیدی و دفاع ار سسمنفس در ۵۰۰ خود رادر عمل سه دفاع ار رسی داران سررک و کسنا س دهسان سکرکس و کرد، دفاع ار سرامه داران و کلوله سرفی سسرای کارکران سنبو و کارکران اسفهان و دسکر

سرها و سلاخره دفاع ار مو، سسناات دولتی جون سثلات و کسنا س وحسبا سس محروم سرن و رحسکشان سندر اسرنسینی و ۵۰۰ سحول کرده، و در سثوری سه صورت محاصره ایکه آقای خمینی تا اورپانافالچی اسنام داده در آمده اسن محاصره عماره سطراب "رهبری انقلاب اسلامی" سبیا سسده ما به سحشی ار اسن محاصره سر سسورد سکنس.

سحرکار اسناد ار دیکنا سسوری حاکم در اسن و سسار خطر ساسس سحس سکنسد و سطر آقای خمینی را حویا سثود، حوابها سنا سدهده درک ساقی و ساقوی در حواب کوشی در مورد ساه سب دیکنا سوری حاکم در جامعه سنا سسند، دمکراسی برای رهبری سنا سدارد و سه خای اسن معسوم ار کلمه آزادی اسفاده سکنسد، ولی درک آقای خمینی ار آزادی، سحرک در چهار حوب سسک نظری سرفی اسن ان سناسد، تا هسین درک اسنکه سسحبان در چهار حوب سجمهوری اسلامی "آزادی" ولی در چهار حوب عرفو سسهای اسلامی و سوارسی که اسلام سه ان سسند اسن ار حقیقت آزاد بد سخره که براسن سسین سسود اسنم دهد و تا سروه های سبب آزادی که سس سکنسد ولی سمرحد اعظم نظر و سبلغ و سروح عقاید خود و تا اسفاد ار دولت و روحانیت، سسند انقلابی هسند و آزادی آنها سناسد سلب، سود. ادامه این سحسبه ایس سثوال کشیده سسود که: "سه امام، درهر صورت سطلور می سوان آنهائی را (سطلور سسروه های سناسد) که سد ساه سساره کرده و ار طرف او سحت سسند و دسکر و سکنه سده اند هواداران ساه حواند؛ سطلور می سوان سفا و حق سوحوبه سبی که اسن همه سساره کرد سناد؛ حواب امام: سسکلدام ار آنها سساره و سرح سکنسد (رهی اسنا، اسرمی) سحسی آنها سناظر اهداف خود سنان ار سرح سلق ما بهره برداری می کردند، شما سسوب

اضدع سدارید اکثر جها که سطلور سنا اسندر رمان رزم ساه سناهی در خارجار کسور سوسد و سار کسند سفظ سسند ار ایسکه مردم ساه را سسرون اسنا سسند، در سنا سسک کروه ار اسن سها در اسنا سوسد که در سسکاهها و در ساهها سنان سوسد '۵۰۰'

سحسدرمان حمله خود را سثلاف واضع سروع سکنسد و سنا سس ساردن به سحسب سنا سس سراسد، آسا واضع سسروه های سس سکنه سسند؛ سس ار هزاران سرف ار کمونسسها اسن بدسب سثلان رزم ار پای در سنا سسند؛ دکر اسامی سحسی ار آنان در هسین سس رورساره اطرافات سسار اسفاد سسری سود که هر رور سحسای ار آنرا سسود اسحصاص سناد و سادآوری اسن اسن سرفردان راسن رحسکان هسین سسای سرفلس اس کونه سکران سود که رورساره ها را سسرف سسور کسند و اهن سسوسان را حاکم سرف سسوعاات کردند و کسانیی را که سس سده سسار

سدادند در سسناها سس سسند کسند و اما اسنکه واضع حه کسانیی در خارج سوسد سسروه های سبب عاصسین سزم سسده، آسا آقای سسسی ۱۵ سال در ها سسورک سسود؟ آقای سسی سدر در سراسه سسسال سسورسهای غارسی سسکسند؟ آقای سطلور سساره در آمریکا و سراسه سسره سسرد و در سسافل آسبه سسرفس سسوری سسکرد؟ آقای سرفی در هوسنون سسرا سسود؟ آقای سسرا سرف سساره سسار سساره سسکی سسکرد و ۵۰۰

آقای خمینی، سنا سناسد عسده ای سادان را سسوانسد در سبب سسکسکاه دارسد ولی سنا سس سنادسد سار سس سها سسها و سسنا سهائی را که کمونسسها در سسناهای ساه آسرفسد و اسنا سس سناکها و سسها را که سس کردند در خود سسب کرده اسن.

در حواب سثوال: "آسا سس سنا سسده در صفحه ۱۱